

شناسایی ابزار مدیریت سود در نظام بانکداری بدون ربا در ایران:

ارزیابی مقایسه‌ای اهمیت LLP و STGL در رهیافت Cornett

مهدی قائمی اصل^۱

استادیار گروه اقتصاد و بانکداری اسلامی،
دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران،
ایران،

صادق بافنده ایماندوست^۲

دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران،
ایران،

مسعود محمدی^۳

کارشناس ارشد بانکداری اسلامی، دانشکده
اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران،

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۳۱

چکیده

اهمیت رقم سود گزارش شده برای استفاده کنندگان از صورت‌های مالی، انگیزه دستکاری این رقم را برای مدیران بنگاه که گزارشگری مالی را نیز بر عهده‌دارند ایجاد می‌کند. این اقدام به مدیریت سود تعبیر می‌شود و بر کیفیت سود و قابلیت اتکا به گزارش‌های مالی اثرات منفی خواهد داشت. حجم منابع در

* - مقاله پژوهشی

۱ - نویسنده مسئول: m.ghaemi@khu.ac.ir

2- imandoust@pnu.ac.ir

3- mohammadimasuod@gmail.com

DOI: 10.22067/mef.2021.16463.0

اختیار بانک‌ها و حساسیت‌های خاص عملکردی آن‌ها اهمیت توجه به رقم سود گزارش شده در این صنعت را مضاعف می‌نماید. در این پژوهش برای سنجش شاخص مدیریت سود از مدل کاسنیک به‌عنوان مدل سازگار با صنعت بانکداری در ایران در چارچوب یک الگوی نامتوازن از داده‌های ترکیبی استفاده گردیده است. سپس با استفاده از این شاخص، ابزار عمده مورد استفاده مدیران برای مدیریت سود در نظام بانکی با تخمین مدل کورنت معرفی شده است. نتایج پژوهش ضمن تأیید استفاده مدیران بانکی از شیوه‌های مدیریت سود حکایت از آن داشته است که متغیر هزینه مطالبات مشکوک الوصول (LLP) سهم بیشتری در مقایسه با متغیر (STGL) در توضیح دهنده‌گی شاخص مدیریت سود ایفا نموده و عمدتاً توسط مدیران برای مدیریت سود در نظام بانکی به کار رفته است. به عبارتی مدیران برای دستکاری رقم سود گزارش شده بیش از آنکه از درآمد دارایی‌های مالی و سرمایه‌گذاری‌ها (STGL) بهره برده باشند از رقم هزینه مطالبات مشکوک الوصول (LLP) بهره جسته‌اند.

کلیدواژه‌ها: ارقام تعهدی، بانکداری، مدیریت سود، هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول
طبقه‌بندی JEL: G32, G24, M41

مقدمه

اطلاعات حسابداری در بازارهای مالی به‌عنوان مبنایی برای تصمیمات تخصیص سرمایه مورد استفاده قرار می‌گیرند. در نتیجه، آثار و پیامدهای کیفیت اطلاعات حسابداری، مورد توجه سرمایه‌گذاران، مدیران، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردها است (ثقفی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). جدایی مالکیت از کنترل در شرکت‌ها منجر به عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکان و مدیران می‌شود. به‌علاوه نظریه‌ی انتظارات منطقی و نظریه‌ی نمایندگی نشان می‌دهد که مالکان (سرمایه‌گذاران) و نمایندگان (مدیران) منافع متفاوتی دارند که موجب به وجود آمدن عدم تقارن اطلاعاتی از نوع خطر اخلاقی^۱ می‌شود (Mojtahedzadeh & Babaei, 2012). کنترل هزینه‌های جبرانی قراردادهای استقراض و هزینه‌های نکول بدهی‌ها از محرک‌های مؤثر در مدیریت سود می‌باشند. (Aghili & Jalilian, 2012) بنابراین مدیران فرصت طلب برای دست‌کاری یا مدیریت سود در جهت کاهش احتمال نقض شروط قراردادهای بدهی، انگیزه پیدا می‌کنند. (Amiri &

Mohammadi Khorzoghi, 2012 همچنین در مواقعی که واحدهای تجاری به لحاظ اقتصادی دچار نوسان می‌شوند و تحت فشارهای جنبی قرار می‌گیرند، مدیران برای سامان بخشیدن به اوضاع شرکت به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم تلاش می‌کنند تا رقم سود منعکس شده در صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار دهند و موجب مثبت شدن نگاه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و به‌ویژه سرمایه‌گذاران شوند. مجموعه این اقدامات به مدیریت سود تعبیر می‌شود که دارای جوانب مثبت و منفی است (Shamsai, 2013).

کریمی و رهنمای رودپشتی (Karimi & Rahnamaie Roodpashti, 2015) در پژوهش خود مدیریت سود را از دیدگاه کارایی به دو نوع مدیریت سود کارا و فرصت‌طلبانه تقسیم نموده‌اند. در این دیدگاه، مدیریت سود پدیده‌ای سودمند برای استفاده‌کنندگان خارجی اطلاعات حسابداری محسوب می‌شود. در مدیریت سود از نوع کارا، هدف افزایش مطلوبیت سهامداران و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی است. اما مدیریت سود فرصت‌طلبانه به معنای این است که مدیریت به‌منظور حداکثر کردن مطلوبیت خویش، سود را به‌گونه‌ای فرصت‌طلبانه گزارش می‌کند. بالسام و همکاران (۲۰۰۲) شواهدی مبنی بر فرصت‌طلبانه بودن مدیریت سود ارائه کرده‌اند و همچنین برگستالر (۲۰۰۷) نشان داده است که مدیران به‌منظور جلوگیری از گزارش زیان یا کاهش سود اقدام به مدیریت سود می‌کنند تا پاداش بیشتری دریافت کنند (Karimi & Rahnamaie Roodpashti 2015). دلیل تفاوت سود حسابداری از سود واقعی به بخش تعهدی سود مربوط می‌شود، چرا که مدیران می‌توانند با استفاده از اقلام تعهدی، سود شرکت را دست‌کاری نموده و باعث شوند سود حسابداری از سود واقعی متفاوت باشد (Abbaszadeh & Arefi Asl, 2015).

از یک سو دستیابی به پیشگویی‌های تحلیلگران مالی و برآوردن انتظارات بازار و از سوی دیگر با مدنظر قرار دادن تضاد منافع میان مالکان و مدیران و نیز مینا قرار گرفتن حسابداری به‌عنوان یک معیار کلیدی برای مدیران تصمیم‌گیرنده، این انگیزه را ایجاد می‌کند تا مدیران واحد تجاری سود حسابداری را دست‌کاری کنند (Gavahi et al., 2013).

بانک به‌عنوان یک واسطه مالی که وظیفه برقراری ارتباط بین عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان وجوه نقد را بر عهده دارد مانند هر بنگاه اقتصادی دیگری به دنبال کسب سود از فعالیت خود است؛ سودی که می‌بایست بین ذی‌نفعان خود که در وهله اول همان صاحبان سپرده‌ها و سپس مالکان و یا سهامداران بانک هستند، توزیع گردد؛ همان‌طور که بانک‌های متعارف نیز اغلب

به صورت سهامی اداره شده و سود خود را بین سهامداران و سپرده گذاران توزیع می کنند. مدیران بانکی نیز مانند مدیران در سایر صنایع برای تعدیل سود و حداکثرسازی ثروت بانک و یا شخص مدیر دارای انگیزه هایی می باشند. تفاوت، تنها در روش های مورد استفاده برای به خدمت گرفتن ابزارها در مدیریت سود^۱ است. البته از آنجا که صنعت بانکی به شدت تحت کنترل و نظارت است، احتمال مدیریت سود (درآمد) در آن کمتر متصور است با این وجود، نگرانی در مورد مسئله مدیریت سود (درآمد) در بانک ها پس از آشکار شدن سقوط و بحران بانکی در سال ۲۰۰۸ توجه گسترده ای را به خود جلب کرده است (Wan Mohammad et al., 2011).

مدیریت سود در مفهوم عام یکی از نکاتی است که به شدت در حوزه اعتباری و مالی می تواند مؤثر باشد چرا که برآوردها در صنعت بانکداری بسیار مؤثر است از جمله برآورد میزان اعتبار، میزان کفایت سرمایه و برآورد ذخایر؛ با درصد اندکی تغییر در برآورد، هزینه ها یا درآمدهای وابسته به آن به شدت تحت تأثیر قرار می گیرد. بسیاری از هزینه ها یا درآمدهای برآوردی بر ارقام تعهدی سود و زیان و انباشت آن در ترازنامه مؤثر است این اعمال نظر در برآورد برابر طبقه بندی یاد شده در پژوهش نوری بروجردی، سوری و اشرف گنجوئی (Nouri et al., 2013) در قالب مدیریت سود در مفهوم خاص آن قرار می گیرد.

از آنجا که مدیریت سود به طور مستقیم قابل اندازه گیری نیست، ادبیات مدیریت سود چند روش برآورد مدیریت سود بالقوه را پیشنهاد می کند. این روش ها شامل روش ارقام تعهدی اختیاری، روش ارقام تعهدی خاص، روش جمع ارقام تعهدی، روش تغییرات حسابداری و روش توزیع است. عمومی ترین روش که در این تحقیق نیز مورد استفاده قرار گرفته، روش ارقام تعهدی اختیاری است که فرض می کند مدیران برای مدیریت سود اساساً به اختیارات خود در خصوص ارقام تعهدی اختیاری تکیه می کنند. مدیریت ارقام تعهدی اختیاری مانند تغییر در تعیین میزان هزینه مطالبات مشکوک الوصول از طریق انتخاب روش های حسابداری و برآوردهای حسابداری انجام می شود (Mehrazin et al., 2013). بر همین مبنا، سؤال اصلی این پژوهش که رویکردی اکتشافی دارد این است که کدام یک از ابزارهای مدیریت سود در نظام بانکی عمدتاً توسط مدیران بانک های ایران به کار گرفته می شوند؟ به منظور پاسخ به این سؤال، در ادامه پس از مقدمه، مبانی

نظری و روش پژوهش ارائه شده است. در نهایت نیز نتایج پژوهش، نتیجه گیری و پیشنهادها تبیین شده است.

مبانی نظری

بیان مسئله

مبحث مدیریت سود در حسابداری از حدود ابتدای قرن بیستم به بعد با تحقیقات مختلفی توسط صاحب نظران رشته حسابداری شکل گرفت. هر یک از این پژوهش‌ها از ابعاد خاصی و با عبارات متفاوتی نظیر دست کاری سود، هموارسازی سود و در نهایت مدیریت سود به موضوع پرداخته‌اند (Hashemi & Kamali, 2010).

جensen و مک‌لینگ^۱ (Jensen & Meckling, 1976) نظریه نمایندگی^۲ را مطرح کرده‌اند؛ آنان مدیران شرکت‌ها را به عنوان «کارگزاران» و سهامداران را به عنوان «کارگزاران» تعریف کردند. یکی از فرضیه‌های اصلی نظریه نمایندگی این است که «کارگزاران» و «کارگزاران» تضاد منافع دارند و کارگزاران لزوماً به نفع کارگزاران تصمیم‌گیری نمی‌کنند. به عقیده آنان، انگیزه‌های مدیریت در جهت منافع شخصی است که این منافع برخلاف حداکثر کردن ثروت سهامداران است (Asadi et al., 2011).

تاریخ حسابداری نشان می‌دهد که وقایع نامطلوبی از دست کاری گزارش‌های مالی توسط مدیریت وجود دارد. وقوع دو بحران عظیم در بازار سهام آمریکا، اولی در سپتامبر ۱۹۲۹ و دومی در ژانویه ۲۰۰۰ ناشی از گزارش سودهای ساختگی شرکت انرون^۳ و ورد کام^۴ باعث شد که کیفیت اطلاعات حسابداری مورد تردید واقع شود و همچنین ورشکستگی شرکت‌های عظیم دیگر نظیر آدلفی^۵، سیسکو^۶، لیوسنت^۷ و زیراکس^۱ سیستم گزارشگری مالی را با بحران مواجه ساخت.

1- Jensen And Meckling

2- Representation Theory

3- Enron

4- WorldCom

5- Adelphi

6- Cisco

7- Lucent

(برملا شدن سود ساختگی ۳۸ میلیارد دلاری آن)

این بحران نشان داد که خوش بینی نسبت به فرآیند گزارشگری مالی تا چه اندازه ممکن است خطرناک باشد (Tari Verdi et al., 2014). پس از رسوایی‌های مالی رخ داده در شرکت‌های عظیم دنیا، اطمینان سرمایه‌گذاران به سیستم گزارشگری مالی شرکت‌ها کاهش یافت و مفهوم کیفیت سود هم به عنوان عامل مهمی در تعیین اعتبار و قابلیت اتکای ارقام گزارش شده در صورت‌های مالی محسوب گشت (Abbaszadeh & Arefi Asl, 2015). گواهی، بیگ‌زاده و اقبالی معتقدند در صورت ارائه صورت‌های مالی با کیفیت، میزان استفاده سرمایه‌گذاران از آن‌ها افزایش می‌یابد (Gavahi et al., 2013).

برخلاف مدیران در سایر صنایع، مدیران بانکی معمولاً از زیان وام‌های سوخت شده برای تأثیرگذاری بر سود گزارش شده استفاده می‌کنند. کالینز، شاکلفورد و واهلین (۱۹۹۵) تأثیر سطوح تغییر سرمایه بانک، درآمد و مالیات را در تصمیم‌گیری برای دخالت در برخی از تصمیمات افزایش سرمایه بررسی می‌کنند. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که یک رابطه مثبت بین سود شناسایی شده و مطالبات سوخت شده وجود خواهد داشت. شری‌وز و داهل (۲۰۰۳) نشان داده‌اند که مدیران بانک قصد دارند سود یا زیان کوتاه‌مدت را برای هموارسازی زیان ناشی از وام‌های سوخت شده استفاده کنند (Dang et al., 2008).

برای مثال در یادداشت‌های توضیحی پیوست شده به گزارش عملکرد بانک‌ها در سرفصلی با عنوان "استفاده از قضاوت‌ها و برآوردها" آمده است که:

در تهیه صورت‌های مالی، مدیریت بانک، قضاوت‌ها، برآوردها و مفروضاتی را در تعیین مبالغ شناسایی شده در صورت‌های مالی به کار گرفته است. نتایج واقعی ممکن است متفاوت از برآوردها باشد. این برآوردها و مفروضات که زیربنای آن مبتنی بر سوابق تاریخی است و مدیریت به طور مستمر آن‌ها را از طریق مقایسه با رخداد‌های واقعی بازنگری می‌نماید. اهم حوزه‌هایی که مدیریت از قضاوت‌ها و برآوردها استفاده می‌نماید:

۱. محاسبات ذخیره مطالبات مشکوک الوصول مازاد بر عامل زمان از طریق بررسی وضعیت مشتری و صنعت درگیر آن، اقدامات حقوقی انجام شده، بررسی ضامنین پرونده و برآورد

میزان اتکا به ضامنین در فرایند وصول مطالبات.

۲. کنترل بر شرکت‌های سرمایه‌پذیر^۱

مدیران بانک‌ها هم مانند مدیران در سایر صنایع برای تعدیل سود و حداکثر سازی ثروت بانک و یا شخص مدیر دارای انگیزه‌هایی می‌باشند. تفاوت، تنها در روش‌های مورد استفاده برای به خدمت گرفتن ابزارها در مدیریت سود است. البته از آنجا که صنعت بانکی به شدت تحت کنترل و نظارت است، احتمال مدیریت سود (درآمد) در آن کمتر متصور است با این وجود، نگرانی در مورد مسئله مدیریت سود (درآمد) در بانک‌ها پس از آشکار شدن سقوط و بحران بانکی در سال ۲۰۰۸ توجه گسترده‌ای را به خود جلب کرده است (Wan Mohammad et al., 2011). شناخت و آگاهی حسابرس از تعهدات و بالأخص تغییرات غیرموجه در تعهدات اختیاری در کشف مدیریت سود مفید است. ده سرنخ عالی برای کشف مدیریت سود به شرح زیر است (Ravanshad & Talibnia, 2010):

- وجود مدیریت متقلب
- محیط کنترلی ناکافی و نامناسب
- تغییرات در حسابرسان، مشاوران قانونی برون‌سازمانی و مدیران مالی ارشد
- تغییر در اصول و رویه‌های حسابداری
- کسری زیاد در گردش وجوه نقد عملیاتی مرتبط با سود خالص
- ناهمخوانی اساسی بین رشد مطالبات و فروش
- ناهمخوانی اساسی بین رشد موجودی و فروش
- افزایش یا کاهش زیاد در سود نا ویژه
- ثبت درآمد درحالی که هنوز احتمال ریسک برای فروشنده وجود دارد
- وجود تعهدات و بدهی‌های احتمالی

۱- بانک اقتصاد نوین؛ (۱۳۹۴). گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی به انضمام صورت‌های مالی تلفیقی گروه و بانک برای سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ماه ۱۳۹۴. تهران: مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت دایار رهیافت.

پیشینه پژوهش

مطالعات داخلی

(Pourzamani et al., 2010) در مقاله‌ای به بررسی مربوط بودن سود و ارزش دفتری گزارش شده در صورت‌های مالی، تحت تأثیر مدیریت سود و از طریق اقلام تعهدی اختیاری کوتاه مدت، اقلام تعهدی بلندمدت و اقلام تعهدی کل پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش مدیریت سود بر مربوط بودن سود و ارزش دفتری اثرگذار است و مربوط بودن سود نسبت به شرکت‌هایی که مدیریت سود در آن‌ها صورت نگرفته است در سطح پایین‌تری بوده است.

نوری بروجردی، سوری و اشرف گنجویی (Nouri Boroujerdi et al., 2013) در مقاله خود به دنبال آزمون رابطه بین ریسک سهام و تغییرات درآمد با مدیریت سود به‌عنوان شایع‌ترین دست‌کاری حسابداری بوده‌اند. در این پژوهش برای برآورد شاخص مدیریت سود از مدل جونز تعدیل شده با متغیرهای مؤثر در مدیریت سود در نظام بانکی استفاده شده است. نتایج آزمون فرضیات نشان داده است که در صورتی که داده‌های سالیانه مبنای تهیه متغیرها باشد تنها رابطه ریسک ویژه با مدیریت سود معنی‌دار است اما زمانی که متغیرها از داده‌های میان‌دوره‌ای تهیه شوند هر سه ریسک یادشده با مدیریت سود مرتبط می‌باشند.

جانعلی‌زاده (Janalizadeh, 2015) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود برای اندازه‌گیری مدیریت سود، از مدل تعدیل شده جونز استفاده نموده است. در این پژوهش با استفاده از داده‌های موجود ۹ بانک در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ به بررسی رابطه بین مدیریت سود و مسئولیت اجتماعی بانک‌ها پرداخته شده است.

مطالعات خارجی

احمد، تاکیدا و توماس^۱ (Ahmed et al, 1999) در مطالعه‌ای به بررسی آثار تغییرات اعمال شده در کنترل‌های کفایت سرمایه در سال ۱۹۹۰ برای ساخت یک آزمون قوی در کشف اثرات مدیریت سرمایه و مدیریت سود بر هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول می‌پردازند. آن‌ها به دلایلی

1- Anwer S. Ahmed; Carolyn Takeda And Shawn Thomas

قوی برای این فرضیه که هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول به‌عنوان ابزاری در مدیریت سرمایه به کار گرفته می‌شود دست یافته‌اند. البته شواهدی برای اینکه هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول برای مدیریت سود به کار گرفته شده باشد به دست نیاورده‌اند. اگرچه مرور مطالعات پیشین خلاف این نتیجه را نشان می‌دهد. علاوه بر این آن‌ها دریافته‌اند که هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول رابطه‌ای منفی با هر دو گزاره تغییرات آتی هم‌زمان در سود بنگاه و همچنین بازده سهام خواهد داشت.

نَجونا میسمان و احمد^۱ در مقاله خود هدف را تشریح نحوه عملکرد از طریق متغیر هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول به‌عنوان ابزاری برای مدیریت سود و سرمایه در هر دو نظام بانکی اسلامی و متداول در کشور مالزی بیان کرده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که هر دو نظام بانکی اسلامی و متداول در مواجهه با هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول یکسان رفتار و عمل می‌کنند (Najuna & Ahmad, 2011).

کورکیو، سیمونه و گالو^۲، در مطالعه خود در دو بخش به بررسی وضعیت مدیریت سود و مدیریت سرمایه در بانک‌های اروپایی در جریان بحران مالی سال ۲۰۰۷ پرداخته‌اند. بخش اول به تبیین نتایج مطالعات و پژوهش‌های پیشین پرداخته است و در بخش دوم رفتار بانک‌های اروپایی در جریان فضای پرتنش بازار مالی در طی بحران بررسی و تفسیر شده است. تمامی نتایج پژوهش آن‌ها فرضیه وجود مدیریت سود از طریق (LLPs) یا هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول را تأیید نموده‌اند اما فرضیه وجود مدیریت سرمایه تأیید نشده است (Curcio et al., 2012).

گومبالا، یوئه فانگ هو و هوآنگک^۳ در مقاله خود از مدل اقلام تعهدی برای برآورد اولیه شاخص مدیریت سود استفاده نموده‌اند، استفاده بانک‌های آمریکایی از مدیریت سود و سرمایه برای رسیدن به استانداردهای ارائه‌شده در مصوبات کمیته سیاست‌گذاری بازل تحت عنوان بازل ۳ را بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش که بازه ۱۹۹۹-۲۰۱۳ را پوشش داده است حاکی از آن است که مدیریت سود و مدیریت سرمایه رابطه‌ای قوی و مثبت با نسبت کفایت سرمایه و رابطه‌ای منفی با نسبت نقدینگی دارند (Gombala et al., 2016).

1- Faridah Najuna Misman And Wahida Ahmad

2- Curcio, Domenico; Simone, Antonio. De And Gallo, Angela

3- Gombola, Michael J; Yueh-Fang Ho, Amy And Huang, Chin-Chuan

کاتو، کونیمورا و یوشیدا^۱ (Kato et al., 2001) در مقاله‌ای ضمن مقایسه مدل‌های مختلف سنجش مدیریت سود در بانک‌ها به بررسی تأثیر سیاست‌گذاری دولت‌ها برای حداقل سود تقسیمی بانک‌ها بر مدیریت سود آن‌ها پرداخته‌اند. نتایج تجربی این پژوهش مؤید آن است که در تمامی مدل‌ها وجود مدیریت سود مورد تأیید قرار گرفته است.

یاسودا، اوکودا و کونیشی^۲ (Yasuda et al., 2004)، در مطالعه‌ای که در مورد بانک‌های ژاپنی از سال مالی ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ انجام داده‌اند؛ این دوره را به‌عنوان سخت‌ترین دوره برای صنعت بانکی ژاپن به جهت شدت وام‌های ناخوشایند پرداخت شده توسط بانک‌های ژاپنی معرفی نموده‌اند. آن‌ها رابطه بین ریسک بانک با ارقام تعهدی اختیاری را مورد آزمون قرار داده‌اند.

وان محمد، وصی‌الزمان و مهد زینی (Wan Mohammad et al., 2011) در پژوهش خود با در نظر گرفتن نمونه‌ای متشکل از ۱۰ بانک کشور مالزی برای یک بازه زمانی ۱۰ ساله از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ پس از محاسبه ارقام تعهدی اختیاری با استفاده از مدل جونز تعدیل شده (۱۹۹۵) به‌عنوان شاخص مدیریت سود به بررسی تأثیرپذیری مدیریت سود از متغیرهای هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول و سود تقسیمی و ریسک بانک پرداخته‌اند.

عبدالسلام، دیمیتروپلوس و ال‌نهایس^۳ (Abdelsalam et al., 2016) در پژوهش خود بانک‌های اسلامی که در چارچوب قواعد سخت‌گیرانه مذهبی و محدودیت در بسط حساب‌ها و مسئولیت‌پذیری اخلاقی فعالیت می‌کنند را با همتایان متداول خود در بازه زمانی ۲۰۰۸-۲۰۱۳ مقایسه نموده‌اند. بر اساس یافته‌های آن‌ها هنجارهای مذهبی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی در این بانک‌های اسلامی پیامدهای مثبتی در کیفیت گزارشگری مالی و هزینه‌های سازمانی به دنبال دارد. با توجه به فقدان پژوهش‌هایی که به بررسی وجود یا عدم وجود مدیریت سود و البته کشف ابزار اساسی مورد استفاده مدیران برای مدیریت سود در سیستم بانکداری در ایران پرداخته باشند و اثرپذیری و اهمیت وافر جریان نقدی در سیستم بانکی، لزوم یک پژوهش مستقل در خصوص مدیریت سود و روش‌های مورد استفاده مدیران در انجام مدیریت سود متناسب با سیستم بانکی

1- Kato, Kazuo ; Kunimura, Michio ; Yoshida, Yasushi

2- Yasuda, Yukihiro; Okuda, Shin`ya; Konishi, Masaru

3- Abdelsalam, Omneya ; Dimitropoulos, Panagiotis ; Elnahass, Marwa ; Leventis, Stergios

کاملاً آشکار است.

لذا در این پژوهش، متغیرهای مورد استفاده در مدل کاسنیک (۱۹۹۹) متناسب با نوع گزارشگری مالی و فعالیت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری برای سنجش شاخص مدیریت سود به کار گرفته شده است. همچنین ابزار عمده مورد استفاده مدیران بانکی در اعمال مدیریت سود با استفاده از مدل کورنت معرفی گردیده است.

به‌طور کلی تحقیقات در حوزه مدیریت سود در پی یافتن پاسخی برای پرسش‌هایی به شرح زیر

هستند:

۱. چه انگیزه‌هایی مدیران را به سوی انجام مدیریت سود، سوق می‌دهند؟
 ۲. مدیریت سود، در چه محیط‌هایی و با چه ویژگی‌های مدیریتی، سازمانی، تجاری، مالی و ساختار حاکمیت شرکتی، بیشتر صورت می‌پذیرند؟
 ۳. ابزارهای مورد استفاده مدیران برای انجام مدیریت سود کدام‌اند؟
 ۴. جوانب رفتاری مدیریت سود از منظر بازار سرمایه و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری چگونه است؟
 ۵. توانمندی مدل‌های موجود برای کشف مدیریت سود چه اندازه است؟
- پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به سؤالات دوم و سوم از مجموعه سؤالات فوق از طریق بررسی وضعیت شاخص مدیریت سود در نظام بانکی و شناسایی متغیر عمده مورد استفاده مدیران بانکی در جهت مدیریت سود در نظام بانکداری در ایران بوده است.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی است و از جهت روش استنتاج، از نوع پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش از الگوی کاسنیک (Kaszniak, 1999) و با روش‌های رگرسیونی ویژه داده‌های تابلویی نامتوازن^۱ برای محاسبه و بررسی مدیریت سود در سیستم بانکی استفاده شده است. همچنین در این پژوهش برای شناسایی ابزارهای به کار گرفته‌شده توسط

مدیران بانکی برای مدیریت سود از مدل کورنت استفاده شده است. با جمع بندی نظرات مختلف مطرح شده در باب مدیریت سود، می توان چنین تعبیر نمود که مدیریت سود هر گونه تغییر، اعم از کاهش یا افزایش سود گزارش شده بنگاه بدون ایجاد جریانات نقد متناسب با آن توسط مدیریت و با هدف اثرگذاری بر تصمیم استفاده کنندگان از صورت های مالی، اعم از دولت و نهادهای نظارتی و یا سرمایه گذاران و سهامداران و مجامع داخلی شرکت، مؤسسات تأمین مالی و یا سایر بستانکاران و ذی نفعان است.

الگوی کاسنیک (۱۹۹۹)

$$\begin{aligned} ACCR_{it} = & \alpha_0 \\ & + \alpha_1 [\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}] \\ & + \alpha_2 RPE_{it} + \alpha_3 \Delta CFO_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad (1)$$

متغیرهای مورد استفاده در این الگو عبارت اند از:

$ACCR_t$: کل اقلام تعهدی

ΔREV : تغییر در درآمد

ΔREC : تغییر در خالص حساب های دریافتنی

RPE_t : ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات در سال t

ΔCFO_t : تغییر در جریان های نقدی عملیاتی از سال t-1 تا سال t

(کاسنیک، ۱۹۹۹: ۶۵-۶۴).

هزینه مطالبات مشکوک الوصول (LLP)^۱

برخلاف مدیران در سایر صنایع، مدیران بانکی معمولاً از هزینه مطالبات مشکوک الوصول وام های پرداخت شده برای تأثیرگذاری بر سود گزارش شده استفاده می کنند. کالینز و همکاران^۲ (Collins et al, 1995) تأثیر سطوح تغییر سرمایه بانک، درآمد و مالیات را در تصمیم گیری برای دخالت در برخی از تصمیمات افزایش سرمایه بررسی می کنند. بر اساس نتایج تحقیق، آن ها انتظار

1- Loan Loss Provision

2- Collins, Julie H; Shackelford, Douglas A and Wahlen, James M (1995)

دارند که سطوح پایین درآمد فعلی غیر اختیاری، مدیران را تشویق کند تا درآمدهای سرمایه گذاری را متناسب با کاهش زیان و ام‌ها شناسایی کنند و نتیجه می‌گیرند که یک رابطه مثبت بین سود شناسایی شده و هزینه مطالبات مشکوک الوصول و ام‌های پرداخت شده وجود خواهد داشت. شریوز و داهل^۱ (۲۰۰۳) نشان داده‌اند که مدیران بانک اغلب قصد دارند سود یا زیان‌های کوتاه مدت را برای هموارسازی زیان و ام‌های سوخت شده استفاده کنند (Dang Chang, 2008).

برای مطالبات مشکوک الوصول طبق دستورالعمل نحوه محاسبه ذخیره مطالبات مؤسسات اعتباری مصوب شورای پول و اعتبار^۲ ذخیره‌ای به شرح زیر محاسبه و در حساب‌ها منظور می‌گردد:

الف) ذخیره عمومی: حداقل معادل ۱/۵ درصد مانده کل اعتبارات اعطائی در پایان هر دوره، به استثنای مانده تسهیلاتی که جهت آن ذخیره اختصاصی منظور گردیده است، محاسبه می‌شود.

ب) ذخیره اختصاصی: نسبت به مانده طبقات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول، با لحاظ نمودن ارزش وثایق هر مورد پس از اعمال ضرایب تعیین شده به شرح جدول ۱ محاسبه می‌گردد:

جدول ۱- ضرایب طبقات مختلف مطالبات سررسید گذشته

شرایط	ضریب	طبقه بندی تسهیلات
تا ۲ ماه از سررسید	-	جاری
۲ تا ۶ ماه	۱۰ درصد	طبقه سررسید گذشته
۶ تا ۱۸ ماه	۲۰ درصد	طبقه معوق
۱۸ تا ۶۰ ماه	۵۰ تا ۱۰۰ درصد	طبقه مشکوک الوصول ^۳
۶۰ ماه یا بیشتر	۱۰۰ درصد	طبقه مشکوک الوصول (۵ سال و یا بیشتر) ^۴

منبع: بانک شهر، ۱۳۹۳: ۱۴

1- Shrieves and Dahl (2003)

۲- موضوع بخشنامه شماره مب ۲۸۲۳ مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۰۵ اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۳- با توجه به نتیجه بررسی توان بازپرداخت مشتری

۴- طبق بخشنامه شماره مب ۲۸۲۳ به منظور احتساب ذخیره اختصاصی برای کلیه تسهیلاتی که ۵ سال یا بیشتر از سررسید پرداخت اصل و سود آن‌ها سپری شده باشد، باید مانده کل تسهیلات بدون کسر نمودن ارزش وثایق مذکور مبنای محاسبه قرار گیرد، به نحوی که طی ۵ سال بعد از آن معادل ۱۰۰ درصد مانده تسهیلات، ذخیره اختصاصی در حساب‌های مربوط منظور شود.

درآمد فعالیت بر روی دارایی‌های مالی و سرمایه‌گذاری‌ها (STGL)

قبل از ۱۹۸۳ ناظران بانکی IBST^۱ و STGL^۲ را در قالب یک گزارش از فعالیت بانکی ارائه می‌کردند. STGL بازتاب سود یا زیان حسابداری‌ای است که بانک از فروش یک سرمایه‌گذاری^۳ به قیمتی متفاوت از ارزش دفتری آن سرمایه‌گذاری به دست می‌آورد و IBST درآمد قبل از درآمد حاصل از فروش سرمایه‌گذاری‌ها است؛ به عبارتی IBST درآمد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی است. لذا از آنجا که STGL به علت تأثیرپذیری از قیمت بازاری سرمایه‌گذاری‌ها اطلاعات ناچیزی از تغییرات داخلی و ارزش بانک ارائه می‌دهد لازم به نظر می‌آید که درآمد بانک‌ها به دو بخش IBST و STGL تفکیک گردد. به همین جهت تحلیل‌گران مالی در مواجهه با بانک‌ها بر درآمد قبل از فروش سرمایه‌گذاری‌ها تمرکز می‌کنند. (Warfield and Linsmeier, 1992: 546)

زمانی که بانک‌ها STGL را در دفاتر خود شناسایی می‌کنند در حقیقت آن‌ها سرمایه کنترل‌شده خود را تغییر خواهند داد (زیرا درآمدهای کنترل‌شده، سرمایه‌ها را افزایش می‌دهند و زیان‌ها نیز باعث کاهش سرمایه می‌شوند).

بارت و همکاران^۴ (Barth et al, 1990) و مویر^۵ (Moyer, 1990) دو انگیزه را برای شناسایی درآمد ناشی از STGL ارائه نموده‌اند:

هموارسازی سود حسابداری گزارش شده

STGL می‌تواند برای هموارسازی درآمد در مواردی که زمان برای فروش سرمایه‌گذاری‌ها مناسب باشد مورد استفاده قرار گیرد. هرگاه که تغییرات ایجادشده در IBST در بالاترین (پایین‌ترین) سطح خود باشد، سطح گزارش شده از STGL در پایین‌ترین (بالاترین) سطح خود

1- Income before Securities Transaction:

درآمد قبل از اقلام غیرمنتظره (یا غیرعادی، یا غیرعملیاتی)

2- Securities Transactions Gains and Losses:

سود یا زیان فعالیت بر روی دارایی‌های مالی (مانند: اوراق قرضه، اوراق مشارکت یا فعالیت در بازار سهام) و طرح‌های سرمایه‌گذاری

۳- دارایی‌های مالی و طرح‌های سرمایه‌گذاری

4- Barth et al, (1990)

5- Moyer, (1990)

قرار خواهد داشت. (Warfield And Linsmeier, 1992: 549)

استراتژی هموارسازی درآمد از طریق حذف عمدی بخشی از درآمد بنگاه از سود گزارش شده در سال‌های پربازده به واسطه شناسایی ذخایر و یا سودهای بانکی و گزارش این سود در سال‌های کم بازده به کار گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال، بیسلی و همکاران^۱ (Beasley et al., 2000) شواهدی مبنی بر این که دو روش شناخت نامناسب درآمد (در غیر از دوره واقعی) و گزارش بهای تمام شده غیرواقعی برای دارایی‌ها، به‌عنوان رایج‌ترین تکنیک‌های هموارسازی درآمد به کار گرفته می‌شوند، ارائه نموده‌اند (Wan Mohammad et al, 2011: 47)

تغییر یا تعدیل در سرمایه فعلی کنترل شده

در ارتباط با کنترل حجم سرمایه در سطح برنامه‌ریزی شده بانک‌ها نیاز دارند تا سطح حداقلی از نسبت بازده سرمایه را برای تداوم رشد دارایی‌ها حفظ کنند. این مهم از طریق کل حقوق صاحبان سهام و ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و وام‌های پرداخت شده قابل دست‌کاری است. از طرفی وقتی بانک‌ها در دفاتر خود سود به دست آمده از STGL را شناسایی می‌کنند در واقع حقوق صاحبان سهام را افزایش می‌دهند و از طریق شناسایی زیان آن سرمایه کنترل شده را کاهش می‌دهند. (Warfield And Linsmeier, 1992: 549)

درآمد فعالیت بر روی دارایی‌های مالی و سرمایه‌گذاری‌ها^۲ (STGL) در نظام بانکداری ایران تحت سرفصل خالص سود (زیان) سرمایه‌گذاری در صورت سود و زیان بانک‌ها گزارش می‌گردد. این عنوان حاصل جمع درآمدهای حاصل از انواع سرمایه‌گذاری‌های بانک است؛ از آنجایی که مبلغ گزارش شده جمع جبری اقلام مثبت و منفی به ترتیب برای سود و زیان‌های حاصله می‌باشد، به آن خالص سود (زیان) سرمایه‌گذاری اطلاق می‌شود (بدری، احمد؛ ۱۳۹۴: ۱۸)؛ این حساب شامل سود سهام شرکت‌ها و سود حاصل از معاملات سهام، اوراق مشارکت و سایر دارایی‌های مالی و افزایش (کاهش) ارزش سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت‌ها می‌باشد که باید به تفکیک در یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی افشاء شود.

1- Beasley, MS; Carcello, JV; Hermanson, DR and Lapidés, PD

2- Securities Transactions Gains and Losses

مدل کورنت (۲۰۰۹)

گورنت، نوت و تهرانیان^۱ (Cornett et al, 2009) برای تعریف رابطه بین مدیریت سود، STGL و LLP از (۲) استفاده کرده‌اند.

$$DA_{it} = STGL_{it} - LLP_{it} \quad (2)$$

کورنت در پژوهش خود اشاره کرده است که سطوح بالاتر LLP یا هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول باعث کاهش در سود گزارش شده می‌شود لذا در (۲) از علامت منفی برای متغیر LLP استفاده شده است.

در این پژوهش به منظور شناسایی ابزار عمده مورد استفاده مدیران بانکی در مدیریت سود پس از محاسبه شاخص مدیریت سود با استفاده از مدل کاسنیک، (۳) تخمین زده شده است.

$$DA_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 STGL_{it} - \alpha_2 LLP_{it} + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

هدف از تخمین (۳) بررسی سهم هر یک از متغیرهای LLP و STGL در توضیح تغییرات متغیر اقلام تعهدی اختیاری به عنوان شاخص مدیریت سود می‌باشد. پس از تعیین ضرایب و در صورت معناداری آن‌ها می‌توان در خصوص اینکه کدام ابزار عمدتاً توسط مدیران برای مدیریت سود به کار گرفته می‌شود نتیجه‌گیری نمود.

جامعه آماری و نمونه پژوهش

در این پژوهش جامعه آماری شامل کلیه مؤسسات بانکی هدف ایرانی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است و نمونه پژوهش، شامل ۱۹ بانک است که در دوره پژوهش یعنی طی سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۷، داده‌های مورد نیاز، ترازنامه، صورت سود و زیان، صورت جریان وجه نقد و یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی آن‌ها در دسترس قرار داشته است.

نتایج پژوهش

در این بخش به گزارش نتایج آماری و به دست آمده در طی انجام عملیات اقتصادسنجی متناسب با مراحل پژوهش پرداخته شده و همچنین پس از گزارش، نتایج ارائه شده در جداول در هر مرحله از نگاه تحلیل آماری تفسیر خواهند شد.

جدول ۲- گزارش نتیجه تخمین مدل کاسنیک

مدل	نام آزمون	آماره	Prob	تفسیر آزمون
مدل کاسنیک	آماره F لیمر	۸.۶۶	۰.۰۰۰۰	فرضیه صفر یا تجمعی بودن داده‌ها ^۱ رد شده و فرضیه مقابل صفر یعنی ترکیبی بودن داده‌ها تأیید شد.
	آماره χ^2	۶۷.۹۶	۰.۰۰۰۰	
مدل کاسنیک (داده‌های ترکیبی)	آزمون هاسمن	۳.۸۶	۰.۰۲۷۶۹	فرضیه صفر مبنی بر مدل اثرات تصادفی تأیید شد.

جدول ۳- نتیجه تخمین مدل کاسنیک با روش داده‌های ترکیبی و با اثرات تصادفی

متغیر	ضریب برآوردی	انحراف معیار	آماره T	Prob
DREV-DREC	۰.۰۷۳۸۹۸	۰.۰۲۶۸۰۱	۲.۷۵۷۳۲۵	۰.۰۰۷۲
CFO	-۰.۹۱۴۴۹۲	۰.۰۲۹۳۴۶	-۳۱.۱۶۲۴۵	۰.۰۰۰۰
PPE	-۰.۱۷۱۵۱۳	۰.۰۷۳۶۲۰	-۲.۳۶۱۷۸۴	۰.۰۲۰۶
C	۰.۰۲۷۸۶۲	۰.۰۰۴۶۴۴	۵.۹۹۹۵۷۳	۰.۰۰۰۰
ضریب تعیین	۰.۹۲۴۲۷۷	ضریب تعیین تعدیل شده		۰.۹۲۱۵۰۶
آماره F	۳۳۳.۶۳۹۵	Prob		۰.۰۰۰۰۰۰

منبع: محاسبات پژوهش

از آنجا که شاخص مدیریت سود در روش اقلام تعهدی همان جزء باقیمانده مدل کاسنیک می‌باشد، این شاخص در جدول (۴) برای بررسی وجود مدیریت سود گزارش می‌گردد. در جدول (۴)، شاخص اقلام تعهدی اختیاری استخراج شده از مدل کاسنیک گزارش شده است. با توجه به مشاهده یک روند ادامه‌دار برای هر یک از بانک‌های نمونه می‌توان چنین نتیجه گرفت که عمدتاً مدیران بانکی در چند سال متوالی از مدیریت سود در یک جهت استفاده می‌نمایند. البته این روند در خصوص تمامی بانک‌های نمونه صادق نیست؛ اما غالب بانک‌های فضای نمونه این روند را دنبال نموده‌اند.

جدول ۴- گزارش باقیمانده‌ها در مدل کاسنیک (شاخص مدیریت سود)

obs	Actual	Fitted	Residual	Residual Plot
1-89	-0.01944	-0.01794	-0.00150	
1-90	0.01889	0.01516	0.00373	
1-91	-0.03536	-0.03109	-0.00427	
1-92	0.00249	0.00487	-0.00238	
1-93	0.00513	0.02015	-0.01502	
1-94	0.00697	0.02236	-0.01539	
1-95	0.09786	0.10838	-0.01052	
2-90	0.02482	0.01991	0.00491	
2-91	-0.00769	-0.00998	0.00229	
2-92	0.00473	0.00876	-0.00403	
2-93	-0.01911	-0.00957	-0.00954	
2-94	-0.00757	-0.00056	-0.00701	
2-95	0.02735	0.02028	0.00707	
3-85	-0.07162	-0.07762	0.00600	
3-86	0.01904	0.01194	0.00710	
3-87	0.00497	0.00316	0.00181	
3-88	0.00167	-0.00181	0.00348	
3-89	0.07714	0.05860	0.01854	
3-90	-0.01182	-0.02807	0.01625	
3-91	-0.01193	-0.03553	0.02360	
3-92	-0.04100	-0.05824	0.01724	
3-93	0.04529	0.03831	0.00698	
3-94	-0.00027	-0.00074	0.00047	
4-85	0.01364	0.02353	-0.00989	
4-86	0.00452	0.01167	-0.00715	
4-87	-0.07729	-0.06578	-0.01151	
4-88	0.04076	0.04249	-0.00173	
4-89	-0.04164	-0.03054	-0.01110	
4-90	0.03953	0.04134	-0.00181	
4-91	-0.00364	0.00835	-0.01199	
4-92	-0.01909	-0.01104	-0.00805	
4-93	0.06046	0.06602	-0.00556	
4-94	-0.02160	-0.00744	-0.01416	
4-95	-0.00104	-0.01443	-0.01547	
5-87	-0.05044	-0.04047	-0.00997	
5-88	0.01632	0.01726	-0.00094	
5-89	-0.03427	-0.03127	-0.00300	
5-90	-0.05728	-0.04804	-0.00924	
5-91	-0.06104	-0.05175	-0.00929	
5-92	-0.11382	-0.09748	-0.01634	
5-93	0.03958	0.05338	-0.01380	
5-94	-0.03104	-0.00943	-0.02161	
6-88	-0.00106	-0.02007	0.01901	
6-89	-0.04550	-0.05440	0.00890	
6-90	-0.07454	-0.05868	-0.01586	
6-91	-0.07427	-0.09321	0.01894	
6-92	0.08361	0.04055	0.04306	
6-93	0.01073	-0.03024	0.04097	
7-89	-0.02118	-0.02693	0.00575	
7-90	0.00122	-0.00853	0.00975	
7-91	0.06431	0.05172	0.01259	
7-92	0.01374	-0.00807	0.01981	
7-93	0.03128	0.03503	-0.00375	
7-94	-0.00251	0.00798	-0.01049	
7-95	-0.02076	-0.00955	-0.01121	
8-89	-0.07197	-0.07935	0.00738	
8-90	0.02875	0.03869	-0.00994	
8-91	-0.09772	-0.08290	-0.01482	
8-92	-0.03427	-0.02122	-0.01305	
8-93	-0.06694	-0.05315	-0.01379	
8-94	-0.02819	-0.02757	-0.00062	
9-88	-0.04747	-0.05618	0.00871	
9-89	-0.00745	-0.00404	-0.00341	
9-90	0.02646	0.02606	0.00040	
9-91	-0.03254	-0.02578	-0.00676	
9-92	0.00557	0.00563	-6.0E-05	
9-93	0.02984	0.03508	-0.00524	
9-94	-0.00036	0.02733	-0.02769	
10-86	-0.01539	-0.01582	0.00043	
10-87	0.00539	-0.01053	0.01592	
10-88	-0.03644	-0.05737	0.02093	
10-89	0.00486	-0.01930	0.02416	
10-90	-0.00606	-0.03456	0.02850	
10-91	-0.06857	-0.08789	0.01932	
10-92	-0.03079	-0.05219	0.02140	
10-93	-0.00776	-0.02766	0.01990	
10-94	0.00457	-0.00538	0.00995	
10-95	-0.01368	-0.01280	-0.00088	
11-88	-0.01588	-0.00514	-0.01074	
11-89	-0.00025	0.00701	-0.00726	
11-90	-0.01890	-0.01214	-0.00676	
11-91	0.00720	0.01031	-0.00311	
11-92	0.00797	0.01089	-0.00292	
11-93	0.00647	0.01286	-0.00639	
11-94	-0.03882	-0.01464	-0.02418	
11-95	0.03640	0.05035	-0.01395	

منبع: محاسبات پژوهش

جدول ۵- گزارش نتیجه تخمین مدل کورنیت

مدل	نام آزمون	آماره	Prob	تفسیر آزمون
مدل کورنیت	آماره F لیمر	۱۱.۶۲	۰.۰۰۰	فرضیه صفر یا تجمیعی بودن داده‌ها
	آماره χ^2	۸۱.۹۳	۰.۰۰۰	رد شده و فرضیه مقابل صفر یعنی ترکیبی بودن داده‌ها تأیید شد.
مدل کورنیت (داده‌های ترکیبی)	آزمون هاسمن	۴۸.۸۰۱	۰.۰۰۰	فرضیه صفر مبنی بر مدل اثرات تصادفی تأیید شد.
منبع: محاسبات پژوهش				

جدول ۶- نتیجه تخمین مدل کورنیت با روش داده‌های ترکیبی و با اثرات تصادفی

متغیر	ضریب برآوردی	انحراف معیار	آماره T	Prob
STGL	۰.۲۲۸۴۲۱	۰.۰۸۲۱۳۴	۲.۷۸۱۰۹۳	۰.۰۰۷۱
LLP	-۰.۸۱۰۵۹۴	۰.۲۲۹۱۲۸	-۳.۵۳۷۷۴۱	۰.۰۰۰۸
C	۰.۰۰۰۰۳۵۷	۰.۰۰۲۶۶۴	۰.۰۱۳۴۰۲	۰.۹۸۹۳
ضریب تعیین	۰.۷۵۰۹۴۲	ضریب تعیین تعدیل شده		۰.۶۶۳۹۷۰
آماره F	۸.۶۳۴۲۵۰	Prob		۰.۰۰۰۰۰۰
منبع: محاسبات پژوهش				

پس از تخمین مدل کورنیت که نتایج آن در جدول ۵ و جدول ۶ گزارش شده است معناداری کلی مدل و ضرایب تک تک متغیرها بررسی و تأیید شده است. با استناد به ضرایب گزارش شده در جدول ۶ متغیر هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول (LLP) با ضریب (۰.۸۱-) در مقایسه با متغیر درآمد ناشی از سرمایه گذاریها (STGL) با ضریب (۰.۲۲۸) از تأثیرگذاری قوی تری بر شاخص مدیریت سود و در جهت کاهش آن برخوردار است. لذا هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول به عنوان ابزار عمده مورد استفاده مدیران بانکی برای مدیریت سود در نظام بانکداری ایران معرفی می شود.

نتیجه گیری و پیشنهادها

تفکیک مالکیت از مدیریت در شرکت‌های سهامی، بین منافع سرمایه گذاران، سهامداران و مدیران بنگاه‌ها تضادهایی به وجود آورده است و این امکان بالقوه را برای مدیران به وجود آورده است تا حداقل بخشی از ثروت گروه‌های درون سازمانی را به سمت خود منتقل کنند. مدیران بانک‌ها هم مانند مدیران در سایر صنایع برای تعدیل سود و حداکثرسازی ثروت بانک و یا شخص مدیر دارای انگیزه‌هایی می باشند. تفاوت، تنها در روش‌های مورد استفاده برای به خدمت گرفتن ابزارها در مدیریت سود است. از طرفی حجم منابع در اختیار بانک‌ها و حساسیت‌های خاص

عملکردی آنها اهمیت توجه به رقم سود گزارش شده در این صنعت را مضاعف می‌نماید. به همین دلیل در این پژوهش دو هدف دنبال شده است؛ هدف اول که بررسی شاخص مدیریت سود در نظام بانکی بوده است با استفاده از مدل کاسنیک تخمین زده شده و با تحلیل روند تغییرات اقلام تعهدی اختیاری فرضیه به کارگیری روش‌های مدیریت سود توسط مدیران بانکی مورد تأیید قرار گرفت. هدف دوم پژوهش شناسایی ابزارهای مورد استفاده مدیران بانکی برای مدیریت سود و معرفی متغیر عمده مورد استفاده مدیران بوده است. این هدف با استفاده از تخمین مدل کورنت بین شاخص مدیریت سود به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای STGL و LLP به عنوان متغیرهای مستقل انجام شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که متغیر هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول (LLP) نسبت به متغیر درآمد ناشی از سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت‌ها (STGL) کاربرد بسیار بیشتری در مدیریت سود توسط مدیران بانک‌ها در نظام بانکداری ایران داشته است. با توجه به موارد فوق توصیه می‌شود نهادهای نظارتی بر صنعت بانکداری همچون بانک مرکزی، شورای پول و اعتبار و همچنین بازرسان قانونی و یا حساب‌برسان داخلی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری بر رقم گزارش شده مربوط به ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول تمرکز و نظارت بیشتر و دقیق‌تری داشته باشند. از طرفی صاحبان حساب‌های سرمایه‌گذاری نیز دسترسی مستقیم به اطلاعات عملکردی بانک ندارند و باین وجود بازده نهایی آنها تابع عملکرد بانک است. لذا سپرده‌گذاران نیز باید گزارش مجزایی در راستای انجام وظیفه مباشرتی مدیریت دریافت نمایند. در پژوهش حاضر به امکان دستکاری مدیران بانکی در ذخیره‌گیری‌ها و از این طریق دستکاری در رقم سود گزارش شده اشاره شد اما کماکان لزوم ارائه ابزارهایی برای کشف و اصلاح موارد تخلفی از قانون مدیران بانکی در ارائه گزارش‌های مالی به قوت خود باقی است که می‌تواند در پژوهش‌های آتی محققین مد نظر قرار گیرد.

References

- [1] Abbaszadeh, M.R., Arefi Asl, S. (2015), A review of the concept of profit quality and classification of its criteria. *Journal of Accounting Research*, 17, 93-110. (In Persian)
- [2] Abdelsalam, O., Dimitropoulos, P., Elnahass, M & Leventis, S. (2016), Earnings management behaviors under different monitoring mechanisms: The case of Islamic and conventional banks. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 132, 155-173.

- [3] Aghili, M; Jalilian, A. (2012). Investigating the Relationship between Long-Term / Temporary Institutional Investors and Effective Earnings Management. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 4, 27-42. (In Persian)
- [4] Ahmed, A.S., Takeda, C& Thomas, S. (1999), Bank loan loss provisions: a reexamination of capital management, earnings management and signaling effects. *Journal of Accounting and Economics*, 28, 1-25.
- [5] Amiri, H., Mohammadi Khorzoghi, H. (1391). Analysis of the relationship between financing through debt and the quality of profits of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting*, Fourth Year, No. 16, 61-81. (In Persian)
- [6] Asadi, G. H., Manti Manjehg Tappeh, V. (2011). The effect of management change on earnings management. *Financial Management and Accounting Perspectives*, 1, 114-97. (In Persian)
- [7] Badri, A. (2015), *Investment Deposit Performance Statement: Promoting Accountability in the Interest-Free Banking Business Model*, Convergent with IFRS. Tehran: Monetary and Banking Research Institute. (In Persian)
- [8] Barth, M. E., Beaver, W. H & Wolfson, M. A. (1990). Components of earnings and the structure of bank share prices. *Financial Analysts Journal*, 46(3), 53-60.
- [9] Beasley, M. S., Carcello, J. V., Hermanson, D. R., & Lapedes, P. D. (2000). Fraudulent financial reporting: Consideration of industry traits and corporate governance mechanisms. *Accounting horizons*, 14(4), 441-454.
- [10] Collins, J.H., Shackelford, D.A & Wahlen, J.M. (1995), Bank differences in the coordination of regulatory capital, earnings and taxes. *Journal of Accounting Research* 33(2), 263-291.
- [11] Cornett, M.M., McNutt, J.J& Tehranian, H. (2009), Corporate governance and earnings management at large U.S. bank holding companies. *Journal of Corporate Finance*, 15, 412-430.
- [12] Curcio, D., Simone, A&De Gallo, A. (2012), *Discretionary provisioning and financial crisis: evidence from the European banks*. Comunicazioni a Convegno o Seminar. Valencia, Spain.
- [13] Dang Chang, R., Hua Shen, W& Ju Fang, C. (2008), Discretionary Loan Loss Provisions And Earnings Management For The Banking Industry. *International Business & Economics Research Journal*, 7(3), 9-20.
- [14] Gavahi, B., Beigzadeh Neneh Karan, R& Eghbali Amooghini, A. (2013), Selecting the best model for calculating earnings management in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *11th National Accounting Conference of Iran*. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad. (In Persian)
- [15] Gombola, M.J., Yueh-Fang Ho, A & Huang, C. (2016), The effect of leverage and liquidity on earnings and capital management: Evidence from U.S. commercial banks. *International Review of Economics and Finance*, 43, 35-58.
- [16] Hashemi, S.A., Kamali, E. (2010), The effect of gradual increase in financial

- leverage, free cash flow and company growth on earnings management of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Knowledge*, 2, 95-115. (In Persian)
- [17] Janalizadeh, F. (2015), *Master Thesis in Profit Management and Social Responsibility in Banking Industry* (Study on Banks Listed in Tehran Stock Exchange), Rasht: Koushiar Higher Education Institute. (In Persian)
- [18] Karimi, K., Rahnamaie Roodpashti, F. (2015), Behavioral Biases and Profit Management Motivations. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 14, 15-31. (In Persian)
- [19] Kasznik, R. (1999), On the association between voluntary disclosure and earnings management. *Journal of Accounting Research*, 37, 57-81.
- [20] Kato, K., Kunimura, M & Yoshida, Y. (2001), *Banks' Earnings Management before Potential Violation of Dividend Regulation in Japan*. Economic paper.doi:http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.273945
- [21] Mehrazin, A., Qabdian, B., Froutan, O&Taghipour, M. (2013). Family and non-family ownership of companies and profit management. *Journal of Auditing Knowledge*, 52, 1-16. (In Persian)
- [22] Mojtahedzadeh, V., Babaei, Z. (2012), The effect of independent audit quality on earnings management and stock capital expenditure. *Empirical Research in Financial Accounting*, 2 (4), 9-28. (In Persian)
- [23] Moyer, S. 1990. Capital adequacy ratio regulations and accounting choices in commercial banks. *Journal of Accounting & Economics*, 13 (July): 123-154.
- [24] Najuna Misman, F., Ahmad, W. (2011), Loan Loss Provisions: Evidence from Malaysian Islamic and Conventional Banks. *International Review of Business Research Papers*, 7(4), 94-103.
- [25] Nouri Boroujerdi, P., Souri, D, Ashraf Ganjoui, M.A. (2013), Management of earnings, stock risk and income fluctuations in banks listed on the Tehran Stock Exchange. *Quantitative Studies in Management*, 4 (3), 165-183. (In Persian)
- [26] Pourzamani, Z., Jahanshad, A& Hossein Zairi, A. (2010), The effect of earnings management on the relevance of items in financial statements. *Journal of Financial Accounting and Auditing* (6), 39-63. (In Persian)
- [27] Ravanshad, M.R., Talibnia, G. (1389). Investigating the relationship between earnings management and capital structure in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Studies*, 103-118. (In Persian)
- [28] Saghafi, A., Bolo, Q., Dana, M. M. (2015), The relationship between profit quality and information asymmetry. *Empirical Accounting Research*, 4 (16), 1-16. (In Persian)
- [29] Shamsaii, V. (2013), Management of Profit and Fraud in Financial Reporting: Recognition of Distinction Points by Auditors. *Journal of the Auditor*, 64, 106-114. (In Persian)
- [30] Shrieves, R.E., Drew, D. "Discretionary accounting and the behavior of Japanese banks under financial duress." *Journal of Banking & Finance*, 27.7 (2003): 1219-1243.

- [31] Tari Verdi, Y., Moradzadeh Fard, M& Rostami, M. (2014), The effect of earnings management on the accuracy of forecasting future flows. *Quarterly Journal of Financial Accounting and Auditing Research*, 6 (21), 141-172. (In Persian)
- [32] Wan Mohammad, W.M., Wasiuzzaman, S & Mohd Zaini, R. (2011), Panel Data Analysis of the Relationship between Earnings Management, Bank Risks, Loan loss Provision and Dividend per Share. *Journal of Business and Policy Research*, 6(1), 46-56.
- [33] Warfield, T.D., Linsmeier, T.J. (1992). Tax Planning, Earnings Management, and the Differential Information Content of Bank Earnings Components. *The Accounting Review*, 67(3), 546-562.
- [34] Yasuda, Y., Okuda, S& Konishi, M. (2004), The Relationship Between Bank Risk and Earnings Management: Evidence from Japan. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 223-248.

